

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

National and Revolutionar Characters

afgazad@gmail.com

شخصیت های ملی و انقلابی

سیاوش آزاد (بازنشر به مناسبت پنجمین سالگرد جاودانگی استاد امین سیماب)

۲۲ اپریل ۲۰۲۱

یک سال از درگذشت "امین سیماب" گذشت



یک سال قبل از امروز به تاریخ دوم ثور سال ۱۳۹۵ ش قلب انسان بزرگ و آزاده ای از سرزمین به خون آغشته و تحت اشغال ما به اسم استاد "امین سیماب" از تپش باز ایستاد.

بزرگی و عظمت استاد "سیماب" در تفکر و عمل این آزادمرد نهفته است. استاد "امین سیماب" یک تن از مبارزان استوار کارزار ضد سوسیال امپریالیسم روس بود که خاطرات درخشان آن ورد زبان همزمان و سائر روندگان راه آزادی خواهد بود.

"امین سیماب" بعد از اشغال سرزمین ما توسط امپریالیسم روس، خطر به بیراهه کشاندن جنبش آزادیبخش ملی مردم ما توسط تنظیم های وابسته به امپریالیسم غرب

را درک نمود و عواقب شوم آن را در میان مبارزان ملی – مردمی و همزمان خود توضیح می داد. ولی چون نیرو های مستقل ملی – انقلابی امکانات تبلیغاتی لازم خود را نداشتند، از این رو برداشت ها و تحلیل های خود را نتوانستند به میان مردم ما و جهانیان به شکل گسترده آن بیان نمایند.

استاد "امین سیماب" که در کابل می زیست، بنا بر تهدیدات نوکران روس و تنظیم های وابسته به غرب اجباراً سرزمین خود را ترک نمود و به کشور سوئیس اقامت گزید. استاد "سیماب" در این کشور هم آرام ننشست و دست به عکس العمل های اعتراضی زد و ماهنامه مستقل ملی – دموکراتیک «آذرخش» را که ناشر اندیشه های انتقادی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود، به نشر می رساند و این فریاد را در خدمت امر آزادی میهن و هم میهن سر داد. سر لوحه نشریه وزین آذرخش با این پیام شعری مبارز بزرگ حوزه فرهنگی فارسی-دری علامه "اقبال لاهوری" چنین مزین شده بود:

میارا بزم در ساحل که آنجا

نوی زندگی نرم خیز است

به دریا غلت و با موجش در آویز

حیات جاودان اندر ستیز است

استاد "امین سیماب" بعد از اشغال افغانستان توسط امپریالیسم لجام گسیخته امریکا و شرکای



آن به کار و پیکار مبارزاتی خویش شدت بخشیده و تا واپسین دم در تمامی عرصه ها و اشکال مبارزاتی با همزمان خود در داخل و خارج کشور همکاری شایسته استوار و دوامدار نمود.

استاد "سیماب" ستمدیدگان هم میهن و میهن خود را دوست داشت و به آنان عشق می ورزید. یگانه مشغله فکری او وارسنگی مردمش و استقلال میهنش بود. وی این مأمول را در صدر تفکر و عمل والای خود قرار داده بود و عمر پربار خود را وقف این امر نمود و از پیشرفته ترین قله های دانش بشری برای حل معضلات و بسیج مردم خود برای رفع و زدودن موانع استعماری - ارتجاعی مدد می جست.

"امین سیماب" از دوران کودکی تا جوانی و تا دم مرگ، در امر آموزش، انسانی بود مستعد و سخت کوش. به یمن همین تلاش، تکاپو و قریحه عالی، "استاد سیماب" با فراگیری و تسلط به زبان های انگلیسی و فرانسه، در کشور میزبانان به مقام والای آموزگاری و تدریس و تحقیق در بخش زبان رسید. او هم خود آموخت و هم به دیگران آموختاند.

استاد "سیماب" درمندی بود از میان انبوهی از دردمندان دیارش و این درد را هم گاهی از طریق موسیقی و زمزمه ها تبارز می داد و روی هم رفته چند پارچه شعری از استاد باقی مانده است که خودش آن ها را سیاه مشق ها نامیده بود. استاد "سیماب" به رغم مشغله های رسمی اش به حیث یک آموزگار زبان در دیار غربت، فارغ نشست. او در پرتو اندیشه های علمی، مترقی و ضد استعماری؛ سیاست ها و اهداف تهاجمی امپریالیسم اشغالگر روس، ارتجاع شریر بومی و منطقه و مطامع استعماری و سلطه گرانه امپریالیست های غربی و امریکا را در کشور و منطقه افشاء نموده و در نشریه آذرخش که به تعداد ۳۹ شماره آن چاپ و به دست علاقه مندان آن در اروپا و هم در شهر پیشاور و شهر کابل، توسط همزمانش به منظور مطالعه دست به دست می گردید، به دست نشر سپرد. با متحول شدن نشر چاپی و ایجاد فضای مجازی اینترنت، استاد "سیماب" بی وقفه در رابطه با موضوعات مختلف داخل کشور ما، از طریق نوشتن مقالات و یا ترجمه آثار آموزنده در سایت های ملی و مترقی، مطالب روشنگرانه و افشاگرانه علمی و ضد استعماری متعددی را به نشر رساند.

استاد "سیماب" از همان آوان تجاوز استعماری تزاران نوین به کشور ما در اواخر دهه هفتاد میلادی، حل معضله استعماری افغانستان و حصول استقلال کشور، حاکمیت ملی و رهائی توده های تحت ستم از چنگال سیاست های استعماری - ارتجاعی را کار توده های میلیونی مردم آگاه و متحد می دانست. "امین سیماب" به نقش رهبری پیشاز مردمی در پیشاپیش صفوف مردم ستمدیده برای آزادی ملی و رهائی اجتماعی بخوبی آگاه بود. از همین رو، به کار دسته جمعی و تشکیلاتی عقیده داشت و به موازین مطروحه آن سخت باورمند بود. او انسانی بود جمعگرا، مخالف اندیویدوآلیسم، تک روی فردی و تکبر روشنفکرانه. در این کارزار جمعی، او به نقش برجسته فرد و پیشنای افراد مستعد در امر رهبری باور داشت؛ ولی اصالت را با جمع می دانست و جمع را عامل دگرگونی اجتماعی. استاد "سیماب" سخت معتقد بود که هر فرد انسانی با پیوستن به جمع و در آن محیط است که می تواند استعداد و خلاقیت ویژه خود را در امر مبارزه اجتماعی در راستای آزادی، ترقی و عدالت اجتماعی به کار گیرد و در کنار همزمان خود مفهوم شود.

استاد "سیماب" در همکاری و معاشرت اجتماعی با دوستان و رفقای خویش سخت با محبت و صمیمیت برخورد می نمود که انسان از آشنائی و رفاقت با آن آزاده مرد، لذت می برد. دوستان موصوف همیشه از حوصله مندی و پشت کار این انسان دارای صفات عالی اخلاقی و ارزش های والای انسانی به نیکوئی یاد نموده و آن را توصیف می نمایند.

"امین سیماب" در زندگی مبارزاتی اش همیشه از انسان های دو رو و روشن فکران پرمدعای حراف و دهن پاره بی عمل، سخت نفرت داشت. برای زدودن چنین خصوصیتی نکوهیده و مبرا بودن دوستان خود از چنین منشی، استاد "سیماب" اثری را در این رابطه از منابع خارجی مربوط به جنبش انقلابی می خواست ترجمه نماید و در اختیار رفقای خود قرار دهد، اما مرگ مجال چنین اقدامی را برایش نداد.

استاد "سیماب" به منظور آموزش و آگاهی دادن به نسل جوان (سلسله دروس مترقی اندیشه پیشرو عصر) در چندین شماره... از منابع جنبش انقلابی فرانسه ترجمه و به دست نشر سپارید. "امین سیماب" سجایای عالی انسانی را در شخصیت خود جمع داشت. او انسانی بود که تا آخر زندگی با باور و آرمان متعالی زیست و خلاف عده ای مدعیان شکسته نیمه راه، آن را از دست نداد. با این باورمندی و آرمان گرایی مثبت، زنده یاد "سیماب" فرهیخته ای بود متواضع و فروتن. به رغم سهم گیری شایسته اش در فعالیت ها و خلاقیت های خستگی ناپذیر به مثابه یک انقلابی پاکباز، او هیچ نوع ادعائی هم نداشت. هر قدری که فهم و اندوخته های فکری و تجارت عملی اش گسترده تر می شد، به همان پیمانه تواضعش بیشتر افزایش و صیقل می یافت.

استاد در طول زندگی مبارزاتی شفاف و درخشانش پیوسته در تخاصم با افکار و اعمال انحرافی و سازشی و تسلیم طلبی و کرنش در مقابل استعمار و ارتجاع، از موضع منافع ملی و تاریخی مردم افغانستان ایستاده و از منحرفان انقیاد طلب و عوامل استعمار سخت نفرت داشت و افکار و اعمال آن ها را قابل محاسبه جدی می دانست.

"امین سیماب" این را می دانست که تحقق آرمان های بزرگ بهروزی ستمکشان کار ساده نیست و باید از میان میدان های مملو از مین ها عبور نمود و از میان انبوهی از راه ها، یگانه راه و قاطع ترین راه – که دشوارترین راه هم است – را برای رستگاری و نجات مردم کشور از چنگال هیولای استعمار – ارتجاع برگزید. او به پیروزی نهائی این راه دشوارگذر یعنی نجات مردم به دست توانای خودشان، سخت باورمند بود.

از "امین سیماب" خیلی از نوشته ها، خاطره ها و صفات انسانی بزرگی به یادگار مانده است که امیدواریم دوستان و همزمان موصوف، هر یکی گوشه ای از آن ارزش های گرانبهای مبارزاتی را به نگارش درآورده تا روندگان راه آزادی و وارستگی افغانستان از آن تجارب بیاموزند و سرمشق زندگی مبارزاتی خویش قرار دهند.

راه و آرمان های آن مبارز مردمی و مترقی متداوم باد!

۲۲ اپریل ۲۰۱۷